

ستایش (لطف خدا)، نیکی، همت

راش آموزان عزیز! توصیه می‌کنیم برای استفاده بصیر از کتاب، ضمیمه‌های انتهای جلد اول را با دقت مطالعه نمایید.

ستایش: لطف خدا



تاریخ ادبیات

فرهاد و شیرین: وحشی بافقی

قالب: مثنوی

به نام چاشنی بخش زبان / حلاوت سنج معنی « بیان ها »

قلمرو زبانی چاشنی: طعم، مزه / حلاوت: شیرینی / بیان: زبان آوری، سخن □ بیت دارای یک جمله است. / فعل «آغاز می‌کنم» حذف به قرینه معنوی ❖ نام چاشنی بخش زبان ها / حلاوت سنج معنی: ترکیب اضافی ❖ چاشنی بخش، حلاوت سنج: مرکب **قلمرو ادبی** نسبت دادن «حلاوت» به «معنی»: حس آمیزی ❖ اشاره به مفهوم «علمه البیان»، (به او بیان آموخت). (سوره الرحمن / آیه ۴): تلمیح ❖ «زبان، بیان، معنی» و «چاشنی، حلاوت»: مراعات نظیر ❖ چاشنی ❖ استعاره از ❖ سخن زیبا ❖ حلاوت سنج معنی: اضافه استعاری ❖ زبان ❖ میماز از ❖ انسان (زبان انسان) **قلمرو فکری** با نام خداوندی آغاز می‌کنم که به انسان سخن گفتن زیبا را بخشیده و شیرینی و جذابیت معنی را در بیان انسان قرار داده است. (مفهوم: عنایت و لطف خدا به انسان در گویایی و شیرینی سخن و معنا / آغاز سخن با نام خدا)

بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژد آن دل، که او خواهد نژندش

قلمرو زبانی نژند: خوار و زیون، اندوهگین □ بیت دارای چهار جمله است. (جمله اول و سوم: سه جزئی با مسند / جمله دوم و چهارم: چهار جزئی با مفعول و مسند) ❖ بلند، نژند: مسند / «ش»: مفعول ❖ فعل جمله اول و سوم به قرینه لفظی حذف شده است. ❖ شیوه بلاغی: تقدم فعل برمسنند و مفعول (خواهد بلندش) ❖ آن را بلند خواهد. / خواهد نژندش ❖ آن را نژند خواهد. ❖ آن سر / آن دل: ترکیب وصفی **قلمرو ادبی** دل، سر: مراعات نظیر ❖ تقابل بین بلندی سر و نژند بودن دل: تضاد ❖ اشاره به مفهوم آیه «تَعَزُّنْ مِنْ تَشَاءُ وَ تَذَلُّنْ مِنْ تَشَاءُ» (هر که را بخواهد، عزت می‌دهد و هر که را بخواهد، خوار می‌کند). (آل عمران / ۲۶): تلمیح ❖ هم آوایی واژگان دو مصراع: موازنه ❖ بلندی سر ❖ کتبه از ❖ عزت و افتخار ❖ سر، دل ❖ میماز از ❖ انسان / واژه‌های «بلند»، «نژند»: تکرار **قلمرو فکری** هر که را خدا سربلند کند، سربلند و عزیز است و هر دلی را که خدا غمگین کند، غمگین است. (مفهوم: غم و شادی واقعی به دست خدا)

در نابت احسان گشاده ست / بهر کس آنچه می‌بایست، داده ست

قلمرو زبانی نابسته: گشوده، باز / احسان: خوبی، نیکی، نیکوکاری / می‌بایست: لازم بود، ضرورت داشت. □ بیت دارای سه جمله است. (جمله اول: سه جزئی با مفعول / جمله دوم (می‌باید: ناگذراست): دو جزئی / جمله سوم: چهار جزئی با مفعول و متمم (او چیزی را به کسی داده است)). ❖ نهاد جمله‌ها به قرینه لفظی حذف شده است. / در: مفعول / مفعول جمله پایانی به قرینه معنوی حذف شده است. ❖ در نابت احسان: ترکیب وصفی و اضافی ❖ نابسته: وندی **قلمرو ادبی** تکرار صامت «س»: واج آرابی ❖ اشاره به آیه «إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (همانا خداوند هر کس را که بخواهد بی حساب روزی می‌دهد). (آل عمران / ۳۷): تلمیح ❖ در احسان: اضافه استعاری **قلمرو فکری** در نیکوکاری و احسان را که هیچ‌گاه بسته نمی‌شود، باز کرده و به هر کس آنچه لازم بوده، بخشیده است. (مفهوم: فراگیر بودن نیکی و روزی بخشی خدا)

به ترتیب ناه و وضع عالم

که نی یک موی باشدیش و نی کم

قلمرو زبانی وضع: حال و روش، حالت / نی: نه □ بیت دارای سه جمله است. (جمله اول: سه جزئی با مفعول / جمله دوم و سوم: سه جزئی با مسند) ❖ نهاد جمله اول به قرینه لفظی حذف شده است. / وضع: مفعول / فعل جمله سوم به قرینه لفظی حذف شده است. ❖ شیوه بلاغی: تقدم فعل بر مفعول در جمله اول ❖ وضع عالم: ترکیب اضافی / یک موی: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی: بیش، کم: تضاد ❖ «نی»: تکرار ❖ یک موی: کنایه از «کمترین چیز»

قلمرو فکری: عالم هستی را به گونه ای آفریده است که کوچک ترین چیزی از آن نه کم است و نه زیاد. (مفهوم: وجود حکمت الهی و حسابگری در آفرینش جهان)

اگر لطف قرین حال کرد

همه ادبار اقبال کرد

قلمرو زبانی قرین: همنشین، همراه / ادبار: نگون بختی، پشت کردن، متضاد اقبال / اقبال: نیک بختی، روی آوردن □ بیت دارای دو جمله سه جزئی با مسند است. ❖ قرین، اقبال: مسند ❖ لطفش، قرین حال: ترکیب اضافی / همه ادبار: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی: ادبار، اقبال: تضاد ❖ نسبت دادن «قرین شدن» به «لطف»: استعاره

قلمرو فکری: اگر لطف و مهربانی خدا همراه حال انسان شود و با انسان همراه باشد، تمامی بدبختی ها به خوشبختی تبدیل می شود. (مفهوم: لطف خدا سبب خوشبختی)

و که توفیق او یک سو بند پای

نه از تدبیر کار آید نه از رای

قلمرو زبانی توفیق: آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن / تدبیر: اندیشه کردن در عاقبت کار، تفکر، تأمل، اندیشه / رای: فکرو اندیشه کردن، دیدن با عقل □ بیت دارای سه جمله دوجزئی است. ❖ فعل جمله پایانی به قرینه لفظی حذف شده است. ❖ توفیق او: ترکیب اضافی / یک سو: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی: تکرار صامت «ر» در مصراع دوم: واج آرایبی ❖ واژه «نه»: تکرار ❖ پای، رای: جناس ناهمسان ❖ تدبیر، رای: مراعات نظیر ❖ نسبت دادن ویژگی های انسانی به توفیق، تدبیر و رای: استعاره (تشخیص) / پا یک سو نهادن: کنایه از «همراهی نکردن، کناره گیری کردن»

قلمرو فکری: اگر توفیق و توجه خدا نباشد (شامل حال کسی نشود)، کاری از دست عقل، تدبیر و اندیشه بر نمی آید. (مفهوم: عجز عقل و اندیشه بدون عنایت و توفیق خدا / آنچه خدا خواست همان می شود.)

خرد را که بنشد روشنایی

بماند تا ابد در تیره رایی

قلمرو زبانی تیره رایی: بداندیشی، ناراستی □ بیت دارای دو جمله است. (جمله اول: چهار جزئی با دو مفعول / جمله دوم: دو جزئی) ❖ نهاد جمله ها به قرینه لفظی حذف شده است. ❖ خرد: مفعول / روشنایی: مفعول دوم ❖ روشنایی: وندی / تیره رایی: وندی - مرگب

قلمرو ادبی: روشنایی، تیره رایی: تضاد ❖ نسبت دادن «تیرگی» به «رای»: حس آمیزی ❖ نسبت دادن «در تیره رایی ماندن» به «خرد»: استعاره (تشخیص) ❖ در تیره رایی ماندن خرد: متناقض نما ❖ خرد: «مما از» انسان ❖ در تیره رایی ماندن: کنایه از «گمراهی» ❖ اشاره به مفهوم آیه «يُخْرِجُوهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (آنها را از ظلمت ها به سوی نور هدایت می کند.) (بقره / ۲۵۷): تلمیح

قلمرو فکری: اگر خدا به خرد بصیرت و روشنایی ندهد، برای همیشه در گمراهی خواهد ماند. (مفهوم: عجز و تیرگی خرد انسان بدون بصیرت الهی)

کمال عقل آن باشد در این راه

که گوید نیمتم از بچ آگاه

قلمرو زبانی کمال: کامل شدن، تمام شدن □ بیت دارای سه جمله است. (جمله اول و سوم: سه جزئی با مسند / جمله دوم: سه جزئی با مفعول) ❖ نهاد جمله دوم به قرینه لفظی حذف شده است. / در جمله دوم مفعول به قرینه معنوی حذف شده است. ❖ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدم فعل بر متمم و مسند ❖ کمال عقل: ترکیب اضافی / این راه: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی: اشاره به سخن مشهور «لا أدري: من هیچ نمی دانم»: تلمیح ❖ راه: «استعاره» از «معرفت و خدانشناسی» ❖ نسبت دادن «سخن گفتن» به «عقل»: استعاره (تشخیص) / کامل بودن عقل در آگاه نبودن آن: متناقض نما

قلمرو فکری: در راه شناخت خدا و حقیقت هستی، بالاترین حد عقل انسان آن است که به نادانی خود اعتراف کند. (مفهوم: عجز عقل از شناخت حقیقت)

۱. نام دیگر آرایه تکرار «واژه آرایبی» است.

۲. برخی همکاران این جمله را چهار جزئی با متمم و مفعول می دانند.

نیکی



تاریخ ادبیات

بوستان: سعدی

قالب: مثنوی

یکی روی دید بی دست پهای

فروماند در لطف و ضح خدای

قلمرو زبانی فروماندن: متخیر شدن / لطف: مهربانی، عنایت / صنع: آفریدن، آفرینش، کار، کردار □ بیت دارای دو جمله است. (جمله اول: سه جزئی با مفعول / جمله دوم: دوجزئی) ❖ روبه: مفعول ❖ روبه‌ی بی دست و پای: ترکیب وصفی / لطف و ضح خدای: ترکیب اضافی (صنع: معطوف) ❖ بی دست و پای: وندی - مرگب

قلمرو ادبی تکرار واج «ی» در مصراع اول: واج آرایبی ❖ دست، پای: مراعات نظیر ❖ اشاره به آیه «ان الله لطیف بعباده» (همانا خداوند با بندگانش لطیف و مهربان است.) (شوری / ۱۹): تلمیح ❖ بی دست و پای - ناتوان و فلج / فروماندن - گناه از - تعجب کردن

قلمرو فکری شخصی روباه فلج و ناتوانی دید و از لطف و آفرینش خدا شگفت زده شد. (مفهوم: فراگیر بودن لطف خدا در آفرینش)

که چون زندگانی به سر می برد؟

برین دست و پای از کجا می خورد؟

قلمرو زبانی چون: چگونه □ بیت دارای دو جمله سه جزئی با مفعول است. ❖ نهاد هر دو جمله به قرینه لفظی حذف شده است ❖ زندگانی: مفعول / مفعول جمله دوم به قرینه معنوی حذف شده است. ❖ این دست و پای: ترکیب وصفی (پای: معطوف) ❖ زندگانی: وندی

قلمرو ادبی دست، پای: مراعات نظیر ❖ به سر بردن - گزاردن ❖ دست و پای - مجاز از - بی دست و پای (ناتوانی)

قلمرو فکری که این روباه چگونه زندگی خود را می‌گذراند و با این ناتوانی و بی دست و پای از کجا غذا می‌خورد؟! (مفهوم: شگفت زدگی / عجز انسان از درک اسرار آفرینش)

در این بود درویش شوریده رنگ

که شیری برآمد شغالی به چنگ

قلمرو زبانی شغال: جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته گوشتخواران است. / شوریده رنگ: آشفته حال □ بیت دارای دو جمله است. (جمله اول: سه جزئی با مسند / جمله دوم: دوجزئی) ❖ در این [در این فکر]: مسند ❖ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر نهاد / شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر قید در جمله دوم ❖ شوریده رنگ: وندی - مرگب

قلمرو ادبی تکرار صامت «ش» در کل بیت: واج آرایبی ❖ رنگ داشتن شوریدگی: حس آمیزی ❖ رنگ - مجاز از - حال ❖ چنگ: جناس ناهمسان^۱ ❖ شوریدگی رنگ - گناه از - آشفته‌گی

قلمرو فکری درویش آشفته حال در این فکر بود که شیر با شغالی در چنگالش آمد. (مفهوم: حیرت درویش / صلابت شیر)

شغال نگون بخت را شیر خورد

ماند آنچه روباه از آن سیر خورد

قلمرو زبانی نگون بخت: بدبخت □ بیت دارای سه جمله است. (جمله اول: سه جزئی با مفعول / جمله دوم: دوجزئی / جمله سوم: سه جزئی با مفعول) ❖ شغال: مفعول / مفعول جمله سوم به قرینه معنوی حذف شده است. / شیوه بلاغی در جمله اول: جابه جایی نهاد و مفعول / شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر نهاد ❖ شغال نگون بخت: ترکیب وصفی ❖ نگون بخت: مرگب

قلمرو ادبی شغال، شیر، روباه: مراعات نظیر ❖ شیر، سیر: جناس ناهمسان ❖ خورد: تکرار ❖ نسبت دادن نگون بختی به شغال: استعاره (تشخیص) / نگون بختی کنایه از بیچارگی و بدبختی

قلمرو فکری شغال بدبخت را شیر خورد و آنچه باقی ماند، روباه از آن غذای کاملی خورد و سیر شد. (مفهوم: شیر و واسطه روزی رسانی)

۱. گاهی در سؤالات کنکور یک جزء از واژه مرگب با یک واژه ساده جناس گرفته شده است.

دگر روز باز اشفاق افتاد / که روزی رسان قوت روزش بداد

قلمرو زبانی قوت: رزق روزانه، خوراک، غذا □ بیت دارای دو جمله است. (جمله اول: دوجزئی / جمله دوم: چهارجزئی با مفعول و متمم) ❖ قوت: مفعول / «متمم» به قرینه معنوی حذف شده است. ❖ دگر روزا: ترکیب وصفی / قوت روزش: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی تکرار واج های «ر» و «و»: واج آرایبی ❖ روز، روزی: جناس ناهمسان ❖ روز، روزی رسان، قوت: مراعات نظیر ❖ اشاره به آیه «ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب» (آل عمران / ۳۷): تلمیح ❖ روزی رسان □ کتابه از □ خدا

قلمرو فکری روز دیگر دوباره چنین اتفاقی افتاد و خداوند روزی رسان غذای روزانه روپاه را به او داد. (مفهوم: روزی رسان بودن خدا / دائمی بودن روزی)

یقین مرد را دیده، بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد

قلمرو زبانی یقین: بدون شک، بی گمان، هر چیز ثابت و واضح و دانسته شده / شد: رفت □ بیت دارای سه جمله است. / (جمله اول: چهارجزئی با مفعول و مسند / جمله دوم: دوجزئی / جمله سوم: سه جزئی با مفعول) ❖ نهاد جمله دوم و سوم به قرینه لفظی حذف شده است. / دیده، تکیه: مفعول / بیننده: مسند ❖ نوع «را»: فک اضافه □ مرد را دیده = دیده مرد / دیده، بیننده، آفریننده: وندی

قلمرو ادبی دیده، بیننده: هم ریشگی (اشتقاق) ❖ دیده، بیننده: مراعات نظیر ❖ تکرار واج «ن»: واج آرایبی ❖ تکیه کردن □ کتابه از □ توکل / بیننده □ کتابه از □ آگاه

قلمرو فکری یقین درویش به روزی رسانی خدا چشم او را بینا کرد و به او بصیرتی داد و بر این اساس رفت و به آفریدگار توکل کرد^۱. (مفهوم: بصیرت یافتن از مشاهدات و توکل برخدا)

کزین پس به گنجی نشینم چو مور / که روزی نخورند پیلان به زور

قلمرو زبانی کنج: گوشه / پیل: فیل □ بیت دارای دو جمله است. (جمله اول: دوجزئی / جمله دوم: سه جزئی با مفعول) ❖ نهاد جمله اول به قرینه لفظی حذف شده است. / روزی: مفعول ❖ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر متمم / شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر نهاد و متمم

قلمرو ادبی تکرار واج «ر»: واج آرایبی ❖ مانند کردن گوینده (درویش) به مور: تشبیه ❖ مصراع دوم تمثیلی برای مصراع اول ❖ مور، زور: جناس ناهمسان ❖ مور، پیل: تضاد ❖ مور □ نماد □ ناتوانی / پیل □ نماد □ قدرتمندی

قلمرو فکری که از این پس مانند موری به گوشه ای می نشینم و منتظر روزی می مانم چون فیلان قوی هیکل به زور بازو روزی نمی خورند و روزی آنها می رسد. (مفهوم: عزم و تصمیم به گوشه نشینی و توکل)

زنخدان فروبرد چندی به جیب / که بخشده، روزی فرستد ز غیب

قلمرو زبانی زنخدان: چانه / جیب: گریبان، یقه / بخشنده: روزی دهنده، خداوند / غیب: پنهان، نهان از چشم □ بیت دارای دو جمله است. (جمله اول: سه جزئی با مفعول / جمله دوم: چهارجزئی با مفعول و متمم) ❖ نهاد جمله اول به قرینه لفظی حذف شده است. / زنخدان، روزی: مفعول / جیب: متمم / متمم جمله دوم به قرینه معنوی حذف شده است. ❖ شیوه بلاغی: تقدّم فعل بر قید و متمم ❖ چندی، بخشنده، روزی: وندی

قلمرو ادبی تکرار واج «ب»: واج آرایبی ❖ جیب، غیب: جناس ناهمسان ❖ زنخدان به جیب فروبردن □ کتابه از □ گوشه نشینی، انتظار و تفکر / بخشنده □ کتابه از □ خداوند

قلمرو فکری مدتی گوشه نشینی کرد، به انتظار این که خداوند روزی بخش از عالم غیب به او روزی بدهد. (مفهوم: گوشه نشینی و انتظار روزی داشتن)

۱. این واژه صفت مبهم پسین است که گاهی پیش از هسته قرار می گیرد. (ترکیب مقلوب)

۲. برخی همکاران «یقین» را قید می دانند و «دیده» را به معنای «مشاهده شده» در نقش «نهاد» می پندارند. □ (بی تردید آنچه مرد مشاهده کرد، او را آگاه کرد و بر این اساس، رفت و به خدا توکل کرد.)

نه بیگانہ تیار خوردش نہ دوست

چو چنگش، رگ و استخوان ماند پوست

قلمرو زبانی تیمار: غم؛ تیمار خوردن: غمخواری / چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. بیت دارای سه جمله است. (جمله اول و دوم: سه جزئی با مفعول / جمله سوم: دوجزئی) ❖ تیمار: مفعول / چنگ و ضمیر «ش» در «چنگش»: متمم ❖ جهش ضمیر «ش»: تیمار خوردش ❖ تیمارش را خورد / چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست ❖ چو چنگ رگ و استخوان و پوست برایش ماند. ❖ تیمارش: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی بیگانہ، دوست: تضاد ❖ رگ، استخوان، پوست: مراعات نظیر ❖ پوست، دوست: جناس ناهمسان ❖ چنگ (۱. نام سازی ۲. دست به تناسب رگ): ایهام تناسب ❖ مانند کردن درویش به ساز چنگ: تشبیه ❖ مصراع اول ❖ تنهایی / مصراع دوم ❖ تنهایی ❖ ضعف و لاغری شدید ❖ تکرار واج «ن»: واج آرایبی

قلمرو فکری هیچ کس از آشنا و بیگانہ غمخوارش نشدند و مانند ساز چنگ، از لاغری فقط رگ و استخوان و پوستی برایش ماند. (مفهوم: تنهایی و ضعف و لاغری)

چو صبرش ماند از ضعیفی و هوش

ز دیوار محرابش آمد به گوش:

قلمرو زبانی هوش: آگاهی / محراب: قبله، جای امام جماعت در مسجد ❖ بیت دارای دو جمله دوجزئی است. ❖ نهاد جمله دوم به قرینۀ لفظی حذف شده است. ❖ جهش ضمیر «ش»: ز دیوار محرابش آمد به گوش ❖ از دیوار محراب به گوشش آمد ❖ صبرش، دیوار محراب: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی تکرار صامت «ش»: واج آرایبی ❖ هوش و گوش: جناس ناهمسان ❖ به گوش آمدن ❖ شنیدن ❖ هوش ❖ مآواز ❖ هوشیاری **قلمرو فکری** وقتی که از ضعف و بی هوشی صبر و طاقتش تمام شد، از دیوار قبله صدایی (ندایی غیبی) به گوشش رسید! (مفهوم: ضعف و بی هوشی)

برو شیر درنده باش، ای دُئل

یُنْداز خود را چو روباه شُل

قلمرو زبانی دغل: دروغ، مکر و ناراستی؛ در اینجا: مکار و تنبل / شُل: دست و پای از کار افتاده ❖ بیت دارای چهار جمله است. (جمله اول: دوجزئی / جمله دوم: سه جزئی با مسند / جمله سوم: شبه جمله (منادا) / جمله چهارم: سه جزئی با مفعول) ❖ نهاد جمله اول، دوم و چهارم به قرینۀ لفظی حذف شده است. ❖ شیر درنده: مسند / خود: مفعول / دغل: منادا / روباه: متمم ❖ شیر درنده، روباه شُل: ترکیب وصفی ❖ درنده: وندی

قلمرو ادبی تکرار واج «ر»: واج آرایبی ❖ شیر، درنده، روباه: مراعات نظیر ❖ مانند کردن درویش به شیر و روباه: تشبیه **قلمرو فکری** ای حیلہ گر، برو مانند شیر درنده در کسب روزی قوی باش و خودت را مانند روباه فلج، گوشه نشین و محتاج نکن. (مفهوم: دعوت به تلاش و قدرتمندی و ترک ضعف و گوشه نشینی)

چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر

چه باشی چو روبه بر وامانده، سیر؟

قلمرو زبانی وامانده: باقی مانده، بقیۀ غذا ❖ بیت دارای سه جمله است. (جمله اول: سه جزئی با مفعول / جمله دوم: دوجزئی / جمله سوم: سه جزئی با مسند) ❖ نهاد جمله ها به قرینۀ لفظی حذف شده است. ❖ سعی: مفعول / سیر: مسند ❖ شیوۀ بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر متمم / شیوۀ بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر متمم و مسند

قلمرو ادبی تکرار واج «ج»: واج آرایبی ❖ شیر و سیر: جناس ناهمسان ❖ مانند کردن (درویش) به شیر و روباه: تشبیه ❖ شیر ❖ نماد ❖ انسان های قوی و متکی به خود و نیکوکار / روباه ❖ نماد ❖ انسان های ضعیف و وابسته و محتاج به دیگران **قلمرو فکری** آن چنان تلاش کن که مانند شیر از تو برای دیگران چیزی بماند نه اینکه مانند روباه از باقی مانده غذای دیگران سیر شوی. (مفهوم: دعوت به قدرتمندی و بی نیازی / پرهیز از ضعف و نیازمندی)

بخور تا توانی به بازوی خویش

که سَعیت بود در ترازوی خویش

قلمرو زبانی سعی: کوشیدن، تلاش ❖ بیت دارای سه جمله است. (جمله اول: سه جزئی با مفعول / جمله دوم: دوجزئی / جمله سوم: سه جزئی با مسند) ❖ نهاد جمله اول و دوم به قرینۀ لفظی حذف شده است. / مفعول جمله اول به قرینۀ معنوی حذف شده است. ❖ در ترازو: مسند (متمم به جای مسند) ❖ شیوۀ بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر متمم / شیوۀ بلاغی در جمله سوم: تقدّم فعل بر مسند ❖ بازوی خویش، سَعیت، ترازوی خویش: ترکیب اضافی

۱. برخی همکاران «ش» را وابستۀ «هوش» می دانند و بیت را این گونه معنا می کنند: «وقتی از ضعیفی، صبر و هوشش نماند، ندایی غیبی به گوش رسید.»

۲. گاهی مسند به صورت متمم می آید: مانند: «او از دوستان ما است.»

قلمرو ادبی: خویش: تکرار ❖ اشاره به مفهوم آیه «لیس للانسان الا ما سعی» (برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.) (التجم/۵۳): تلمیح ❖ بازو-مماز از- کاروتلاش / سعی-مماز از- نتیجه کاروتلاش ❖ خوردن-کتایه از- تلاش برای کسب روزی / درترازوبودن-کتایه از- عایدشدن وبه دست آمدن **قلمرو فکری:** تاجایی که می توانی با تلاش و کوشش خود روزی کسب کن برای این که تنها نتیجه تلاش توست که به دست می رسد. (مفهوم: دعوت به تلاش و خودکفایی)

بکیرای جوان دست درویش پیر / نه خود را بیگن که دستم بگیر

قلمرو زبانی: درویش: سائل، گدا، خواهنده از درها □ بیت دارای چهار جمله است. (جمله اول و سوم و چهارم: سه جزئی با مفعول / جمله دوم: شبه جمله (منادا)) ❖ حذف نهاد جمله ها به قرینه لفظی ❖ دست، خود: مفعول / جوان: منادا ❖ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر مفعول ❖ دست درویش پیر: ترکیب اضافی و وصفی / دستم: ترکیب اضافی **قلمرو ادبی:** پیر، جوان: تضاد ❖ دست گرفتن-کتایه از- یاری کردن / خود را افکندن-کتایه از- خود را به ناتوانی زدن **قلمرو فکری:** ای جوان، درویش و نیازمند را یاری کن و خودت را به ناتوانی نزن که از دیگران یاری و کمک خواهی. (مفهوم: دعوت به یاری ضعیفان و دوری از ناتوانی و ابراز احتیاج)

خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است

قلمرو زبانی: بخشایش: آمرزش، گذشتن از جرم و گناه، عفو / خلق: مردم، مخلوقات □ بیت دارای دو جمله سه جزئی با مسند است. ❖ بخشایش: نهاد / بر آن بنده، در آسایش: مسند ❖ بنده، بخشایش، آسایش: وندی ❖ خدا را... بخشایش (بخشایش خدا): ترکیب اضافی (نوع «را»): فک اضافه **قلمرو ادبی:** تکرار واج های «ب، ش»: واج آرابی ❖ خدا، بنده، خلق: مراعات نظیر ❖ وجود-مماز از- اعمال و رفتار و خدمت ها **قلمرو فکری:** بخشایش و گذشت خدا برای بنده ای است که خلق خدا از اعمال و رفتار (خدمات) او در آسایش باشند. (مفهوم: بخشایش خدا در گرو خدمت به خلق / دعوت به نیکی بر خلق)

کرم و زرد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتان بی مغز پوست

قلمرو زبانی: دون همت: کوتاه همت، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه / کرم: بخشندگی، جوانمردی □ بیت دارای سه جمله است. (جمله اول: سه جزئی با مفعول / جمله دوم: دو جزئی / جمله سوم: سه جزئی با مسند) ❖ کرم: مفعول / بی مغز و پوست: مسند ❖ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر نهاد / شیوه بلاغی در جمله سوم: تقدّم فعل بر مسند ❖ مغزی: وندی / دون همتان، بی مغز و پوست: وندی - مرکب **قلمرو ادبی:** تکرار واج «ر» در مصراع اول: واج آرابی ❖ مغز، پوست: تضاد ❖ مغز: تکرار ❖ اوست، پوست: جناس ناهمسان ❖ سر-مماز از- انسان / مغز-مماز از- عقل و خرد ❖ بودن مغز در سر کسی-کتایه از- خردمندی / بی مغز و پوست بودن-کتایه از- بی خردی **قلمرو فکری:** انسان خردمند بخشندگی می کند برای اینکه انسان های پست همت و فرومایه [که بخشنده نیستند] بی خردند. (مفهوم: بخشندگی نشانه خردمندی دعوت به بخشندگی)

کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکي رساند به خلق خدای

قلمرو زبانی: سرا: خانه، منزلگاه □ بیت دارای دو جمله است. (جمله اول: سه جزئی با مفعول / جمله دوم: چهار جزئی با مفعول و متمم) ❖ نهاد جمله دوم به قرینه لفظی حذف شده است. / نیک، نیکي: مفعول ❖ شیوه بلاغی در هر دو جمله: تقدّم فعل بر متمم ❖ هر دو سرای: ترکیب وصفی / خلقی خدای: ترکیب اضافی ❖ نیکي: وندی **قلمرو ادبی:** نیک، نیکي: جناس ناهمسان ❖ تکرار واج های «ک، ن»: واج آرابی ❖ اشاره به آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ» (اگر نیکی کردید، بی تردید به خودتان نیکی کردید.) (اسراء / ۷): تلمیح ❖ دو سرای-استغاره از- دنیا و آخرت **قلمرو فکری:** کسی در دو جهان (دنیا و آخرت) نیکی می بیند که به خلق خدا نیکی برساند. (مفهوم: نیکی دیدن در دو جهان، نتیجه نیکی به خلق)

دانش‌های زبانی و ادبی

دانش‌های زبانی

روش تعیین معنای دقیق واژگان:

۱ کاربرد واژه در جمله

به دو جمله زیر توجه کنید:

لباس به دوستم می‌آمد. دوستم هر روز پیش من می‌آمد.

معنای «آمدن» در جمله اول «برازنده بودن» و در جمله دوم «حرکت کردن» است. معنای دقیق «آمدن» هنگام قرار گرفتن در جمله مشخص می‌شود. همچنین در دو جمله زیر:

۱- ماه یکی از کرات آسمان است. «ماه»: نام یکی از کرات آسمان. ۲- ماه سی روز است. ماه: بُرج؛ مدت زمانی معادل سی روز.

معنای دقیق «ماه» نیز با قرار گرفتن در جمله مشخص شده است. پس: با به کار بردن واژه در یک جمله می‌توان معنای دقیق آن را مشخص کرد.

۲ روابط معنایی در گروه واژه

هم‌نشینی واژگان به صورت گروه‌های اسمی و عطفی (همراه با «و» عطف) گروه واژه را به وجود می‌آورد. این هم‌نشینی باعث ایجاد روابطی بین واژگان می‌شود که می‌توان براساس آن معنای دقیق واژگان را تعیین کرد. این روابط شامل موارد زیر می‌شود:

تضمن: رابطه مجموعه و زیر مجموعه؛ مانند: ورزش و فوتبال؛ فوتبال زیرمجموعه ورزش است.

تضاد: رابطه متقابل و متضاد بین واژگان؛ مانند: حبّ و بغض

ترادف: رابطه هم‌معنی بودن بین واژگان؛ مانند: رأفت و عطوفت

تناسب: رابطه یاد آوری و تداعی بین واژگان؛ مانند: سرخ و زرد

برای تعیین معنای دقیق واژه می‌توان آن را در گروه واژگان به صورت گروه‌های اسمی یا عطفی با روابط فوق قرار داد.

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱- معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
 - ◆ معیار دوستانِ دغل روز حاجت است
 - ◆ صورت بی‌صورت بی حدّ غیب
 - ◆ فخری که از وسبیلت دون همتی رسد
- ۲- واژه «دیگر» امروزه، غالباً به عنوان صفت مبهم، در جایگاه وابسته‌پسین به کار می‌رود؛ مانند «بهارِ دیگر، از راه رسید.» در متون کهن، گاه، این صفت مبهم، در جایگاه وابسته پیشین قرار می‌گرفته است؛ مثال: «دیگر روز، برای تفرّج، به بوستان رفت.»
 - ◆ نمونه‌ای از این شیوه کاربرد صفت مبهم را در متن درس بیابید.
- ۳- معانی فعل «شد» را در سروده زیر بررسی کنید.
 - ◆ گریهٔ شام و سحر، سُکر که ضایع نگشت
 - ◆ قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد
 - ◆ منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
 - ◆ دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد
- ۴- معنای برخی واژه‌ها تنها در جمله یا زنجیرهٔ سخن قابل درک است.
 - با استفاده از شیوه‌های زیر، به معنای هر یک از واژه‌های مشخص شده، دقیق‌تر می‌توان پی برد:
 - الف) قرار گرفتن واژه در جمله:
 - ◆ ماه، طولانی بود.
 - ◆ ماه، تابناک بود.

ب) توجه به رابطه‌های معنایی (ترادف، تضاد، تَضَمَن و تناسب)

◆ سیر و بیزار ← ترادف ◆ سیر و گرسنه ← تضاد

◆ سیر و پیاز ← تناسب ◆ سیر و گیاه ← تَضَمَن

◆ اکنون برای دریافت معانی واژه‌های «دست» و «تند» به کمک دو روش بالا، چند جمله مناسب بنویسید.

◆◆◆ قلمرو ادبی

◆◆◆

۱- از متن درس، دو کنایه بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

۲- در بیت زیر، شاعر، چگونه آرایه جناس همسان (تام) را پدید آورده است؟

(سعدی)

◆ با زمانی دیگر انداز، ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش برچنگ است و دل درچنگ نیست

۳- ارکان تشبیه را در مصراع دوم بیت دوازدهم مشخص کنید.

۴- در این سروده، «شیر» و «روباه» نماد چه کسانی هستند؟

◆◆◆ قلمرو فکری

◆◆◆

۱- معنی و مفهوم بیت شانزدهم را به نثر روان بنویسید.

۲- درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.

◆ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد

۳- برای مفهوم هر یک از سروده‌های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.

(سعدی)

◆ رزق هر چند بی‌گمان برسد شرط عقل است جُستن از درها

◆ سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته جانی

(فریدون مشیری)

◆ به گوش ارغوان آهسته گفتم: بهارت خوش که فکر دیگرانی

(پروین اعتصامی)

◆ چه در کار و چه در کار آزمودن نباید جز به خود، محتاج بودن

۴- درباره ارتباط معنایی متن درس و مَثَل «از تو حرکت، از خدا برکت» توضیح دهید.

۵-

◆◆◆ پاسخ کارگاه متن‌پژوهی

◆◆◆

◆◆◆ قلمرو زبانی

۱- دغل: فریبکار / جیب: گریبان، یقه / دون‌همتی: فرومایگی، پستی

۲- دگر روز باز ائتفاق اوفتاد / که روزی‌رسان قوت روزش بداد

۳- واژه «شد» در بیت اول فعل اسنادی و در بیت دوم به معنی «رفت» است.

۴- دست: دست یکی از اعضای مهم بدن است. / شش عدد لیوان را یک دست می‌گویید. / او دیوار را دو دست رنگ زد. / او در این کار، دست و پا ندارد.

تند: این پیاز خیلی تند بود. / پدرم تند غذا می‌خورد. / رئیس، رفتار تند و قاطعی با کارمندش داشت. / رهرو واقعی گاهی تند و گاهی آهسته نمی‌رود بلکه همیشه می‌رود.

◆◆◆

◆◆◆ قلمرو ادبی

۱- زرخدان به جیب فروبردن کنایه از گوشه‌نشینی، انتظار و تفکر

تکیه کردن کنایه از توکل

۲- واژه «چنگ» با یک تلفظ دو معنا دارد که در بیت، بار اول به معنای «نوعی ساز زهی» و بار دوم به معنای «دست» به کار رفته است و جناس همسان (تام) را به وجود آورده است.

۳- چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

مشبه: مخاطب (درویش) / مشبه به: شیر، روباه / وجه شبه: بلندی همت در باقی گذاشتن غذا (شیر)، سیر شدن از باقی مانده غذای شیر (روباه)؛ ادات تشبیه: چو

۴- شیر نماد انسان های کوشا که علاوه بر خود بر دیگران هم احسان می کنند.

روباه نماد انسان هایی که خود را محتاج دیگران می دانند و برای کسب روزی، تلاش نمی کنند و خیری بر دیگران هم نمی رسانند.

قلمرو فکری

۱- انسان خردمند بخشندگی می کند برای اینکه انسان های پست همت و فرومایه [که بخشنده نیستند] بی خردند. (مفهوم: بخشندگی نشانه خردمندی است.)

۲- از مشاهدات و توکل بر خداوند می توان به بصیرت و آگاهی رسید.

۳- آ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

ب) کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلقِ خدای

پ) بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش

۴- مفهوم مشترک ضرب المثل و متن در تأکید بر سعی و تلاش و کسب روزی و نکوهش توکل بدون سعی است.

توضیح: متن درس بیان مفهوم واقعی توکل به خداست. توکل واقعی آن است که انسان همراه با کار و تلاش، روزی را از خدا بخواهد برای اینکه خدا امکان کسب و کار را در اختیار او قرار داده است. زمانی خداوند بدون تلاش، روزی می دهد که انسان امکانی برای سعی و تلاش نداشته باشد.

پایان حکایت دعوت به سعی و تلاش و احسان بر نیازمندان است و خداوند به شرط تلاش به روزی انسان برکت می دهد.

۵-

گنج حکمت: همت



تاریخ ادبیات

بهارستان: جامی

موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند: «این مور را ببینید که ابارا به این گرانی چون می کشد؟»

مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»

قلمرو زبانی: گران: سنگین / همت: اراده، عزم / حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی □ بند اول دارای شش جمله است. (جمله اول،

سوم، پنجم و ششم: سه جزئی با مفعول / جمله دوم: سه جزئی با متمم / جمله چهارم: چهار جزئی با مفعول و متمم / جمله هفتم و نهم:

چهار جزئی با مفعول و متمم / جمله هشتم: دو جزئی / جمله نهم و یازدهم: سه جزئی با مفعول) ❖ فعل کمکی «بود» پس از «کمر بسته» و

«برداشته» حذف شده است. ❖ نهاد جمله های بند اول به قرینه لفظی حذف شده است. / فعل جمله پایانی به قرینه لفظی حذف شده

است. ❖ نیروی همت، بازوی حمیت، قوت تن: ترکیب اضافی ❖ موری، زورمندی، ملخی، گرانی، مردان: وندی / برابر: وندی - مرگب

قلمرو ادبی: کمر بستن □ به از □ آماده شدن به کاری ❖ نیروی همت، بازوی حمیت: اضافه استعاری / به طور کلی نسبت دادن ویژگی های

انسانی به مور: استعاره (تشخیص)

قلمرو فکری: مورچه ای را دیدند که آماده قدرت نمایی شده، ملخی را که ده برابر، بزرگ تر از خود بود، برداشته بود. با تعجب گفتند، این مورچه را ببینید

که بار به این سنگینی را چگونه می برد؟!

مورچه وقتی این سخن را شنید، خندید و گفت: «مردان بزرگ بار را با قدرت اراده، همت مردانگی و غیرت خود می برند نه با قدرت بدنی.» (مفهوم:

بلندی همت و مردانگی)

۱. برخی همکاران این نوع اضافه را «اقترازی» دانسته اند.

واژگان جدید درس: ستایش (لطف خدا)، نیکی، همت

ادبار: نگون بختی، پشت کردن؛ متضاد اقبال اقبال: نیک بختی، روی آوردن توفیق: آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن تیره رایی: بداندیشی، ناراستی چاشنی: مزه، طعم حلاوت: شیرینی نژند: خوار و زبون، اندوهگین	جیب: گریبان، یقه چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی دغل: مکر و ناراستی، در اینجا مکار و تنبل دون همت: کوتاه همت، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه زَنخندان: چانه شغال: جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته گوشتخواران است. شَل: دست و پای از کار افتاده شوریده رنگ: آشفته حال غیب: پنهان، نهان از چشم فروماندن: متحیر شدن قوت: رزق روزانه، خوراک، غذا
---	---

واژگان مهم املائی

ستایش (لطف خدا)	لطف خدا - حلاوت سنج معنی - احسان و نیکویی - وضع عالم امکان - قرین و همراه - اقبال و شانس - توفیق و همراهی - تیره رایی و بدبختی - اثر وحشی بافقی - تعلیمی و آموزشی
نیکی	لطف و صنع - شغال و روباه - اتفاق و حادثه - روزی رسان قوت - زَنخندان و چانه - غیب و نهان - تیمار و مراقبت - ضعیفی و هوش - محراب و قبله گاه - دغل و ناراستی - سعی و تلاش - بیفکن و بگیر - خلق و آفریده - دون همت و پست - معیار و سنجش - حاجت و نیاز - قرض و دین - تافتن و روی برگرداندن - وسیلت و سبب - عار و ننگ - ضایع و باطل - تضمّن و رابطه معنایی - ارغوانی و زیبا - مَثَل و تمثیل
همت	تعجب و شگفتی - نیروی همت و اراده - حمیت و غیرت - قوت و قدرت تن - بهارستان جامی

درس

۱

ستایش (لطف خدا)،
نیکی، همت

۱۹۳

پرسش‌های چهار گزینه‌ای

قلمرو زبانی

- ۱- معنی چند واژه داخل کمانک‌ها درست است؟
(حلاوت: شیرینی) - (اقبال: نیک‌بختی) - (نژند: خشمگین) - (رای: دیدن با دل) - (تیره‌رایی: بداندیشی)
(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
- ۲- معنی واژه‌های «صنع، قوت، یقین، زرخدان» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
(۱) آفرینش - نیرو - هر چیز ثابت - گونه
(۲) بازسازی - خوراک - مطمئن - چانه
(۳) کار - رزق روزانه - اطمینان - چانه
(۴) کردار - غذا - بدون شک - گونه
- ۳- در کدام گزینه معنای همه لغات درست است؟
(۱) جیب: گریبان - (اقبال: روی آوردن)
(۲) چاشنی: ادویه - (حمیت: غیرت)
(۳) غیب: پنهان - (وامانده: گشوده و باز)
(۴) خَلق: خو و رفتار - (دغل: مکر)
- ۴- با توجه به ابیات زیر، در کدام بیت واژه مشخص شده درست معنی شده است؟
(۱) کسی نیک بیند به هر دو سرای
(۲) بگیر ای جوان، دست درویش پیر
(۳) در این بود درویش شوریده‌رنگ
(۴) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
(۱) که نیکی رساند به خلق خدای (سرای: سراینده)
(۲) نه خود را بیفکن که دستم بگیر (درویش: سائل)
(۳) که شیری برآمد، شغالی به چنگ (چنگ: ساز موسیقی)
(۴) شد و تکیه بر آفریننده کرد (یقین: قابل اطمینان)
- ۵- معنی واژه‌های «فروماندن، شوریده‌رنگ، دون‌همت، توفیق» به ترتیب کدام است؟
(۱) متعجب شدن - پریشان - کوتاه‌همت - سازگار گردانیدن
(۲) ساکن شدن - پریشان - تنبل - موافق شدن
(۳) حیران گشتن - آشفته‌حال - تنبل - موافق شدن
(۴) متحیر شدن - آشفته‌حال - کوتاه‌همت - سازگار گردانیدن
- ۶- در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟
(۱) به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
(۲) اگر لطفش غریب حال گردد
(۳) به ترتیبی نهاده وضع عالم
(۴) وگر توفیق او یک‌سو نهد پای
(۱) حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها
(۲) همه ادبارها اقبال گردد
(۳) که نی یک موی باشد بیش و نی کم
(۴) نه از تدبیر کار آید نه از رای
- ۷- در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟
(۱) یکی روبه‌ی دید بی‌دست‌وپای
(۲) که چون زندگانی به سرمی‌برد؟
(۳) در این بود درویش شوریده‌رنگ
(۴) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
(۱) فروماند در لطف و صنع خدای
(۲) بدین دست و پای از کجا می‌خرد؟
(۳) که شیری برآمد، شقالی به چنگ
(۴) که روزی‌رسان قوت روزش بداد
- ۸- در کدام گزینه کلمات هم‌خانواده یا هم‌ریشه دیده نمی‌شود؟
(۱) محراب، حربه، محاربه (۲) غیب، غایب، غیبت
(۳) صبر، بصیر، صبور (۴) بیننده، دیدار، بینش

- ۹- در کدام گزینه روابط بین کلمات درست بیان نشده است؟
 (۱) ادبار و اقبال < تضاد (۲) جیب و گریبان < تناسب (۳) زنخدان و چانه < مترادف (۴) شیر و دد < تضمّن
- ۱۰- در کدام گزینه روابط بین کلمات درست بیان نشده است؟
 (۱) شیر و روباه < تناسب (۲) نگون بخت و اقبال < تضاد (۳) تیمار و غمخواری < مترادف (۴) انسان و مخلوق < تضمّن
- ۱۱- در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟
 (۱) زنخدان فرو برد چندی به جیب
 (۲) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
 (۳) برو شیر درّنده باش، ای دقل
 (۴) بخور تا توانی به بازوی خیش
- ۱۲- واژه «شد» در کدام ابیات به معنی «رفت» است؟
 الف) چو رستم ز دست وی آزاد شد
 ب) گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت
 ج) منزل حافظ، کنون بارگه پادشاست
 د) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
 (۱) الف، ج (۲) ج، د (۳) ب، ج (۴) الف، ب
- ۱۳- در کدام گزینه واژه مشخص شده درست معنی نشده است؟
 (۱) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
 (۲) کزین پس به گنجی نشینم چو مور
 (۳) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
 (۴) بگیر ای جوان، دست درویش پیر
 (۱) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد (مشاهده شده)
 (۲) کزین پس به گنجی نشینم چو مور (گوشه‌ای)
 (۳) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر (درمانده)
 (۴) بگیر ای جوان، دست درویش پیر (گدا)
- ۱۴- با توجه به بیت «به نام چاشنی بخش زبانها / حلاوت سنج معنی در بیانها» کدام گزینه درست است؟
 (۱) بیت سه جمله دارد.
 (۲) در بیت سه فعل حذف شده وجود دارد.
 (۳) بیت دو واژه مرکب دارد.
 (۴) بیت سه واژه وندی دارد.
- ۱۵- در بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش» نقش ضمیرها به ترتیب در کدام گزینه درست است؟
 (۱) نهاد - مفعول - نهاد - مفعول (۲) مسند - نهاد - مفعول - مسند (۳) نهاد - مضاف‌الیه - نهاد - مضاف‌الیه (۴) نهاد - مفعول - نهاد - مفعول
- ۱۶- در بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش» نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب در کدام گزینه درست است؟
 (۱) نهاد - مفعول - صفت - مسند (۲) نهاد - مسند - صفت - نهاد (۳) مسند - نهاد - مسند - نهاد (۴) مسند - مفعول - مفعول - مسند
- ۱۷- با توجه به بیت «در نایستهٔ احسان گشاده‌ست / به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست» کدام گزینه درست است؟
 (۱) نهاد همهٔ جمله‌ها به قرینه حذف شده است.
 (۲) «نایسته» هستهٔ اولین گروه اسمی است.
 (۳) در بیت واژهٔ وندی وجود ندارد.
 (۴) بیت دارای دو جمله است.
- ۱۸- در کدام گزینه اجزای جملهٔ اول «دوجزئی» است؟
 (۱) در نایستهٔ احسان گشاده‌ست
 (۲) به ترتیبی نهاده وضع عالم
 (۳) وگر توفیق او یک سو نهاد پای
 (۴) کمال عقل آن باشد در این راه
- ۱۹- در کدام بیت واژهٔ «وندی - مرکب» وجود دارد؟
 (۱) اگر لطفش قرین حال گردد
 (۲) وگر توفیق او یک سو نهاد پای
 (۳) خرد را گر نبخشد روشنایی
 (۴) کمال عقل آن باشد در این راه
- که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
 ز دیوار مهرایش آمد به گوش
 مینداز خود را چو روباه شل
 که سعیت بود در ترازوی خویش
- بسان یکی تیغ فولاد شد
 قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد
 دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد
 شد و تکیه بر آفریننده کرد
- شد و تکیه بر آفریننده کرد (مشاهده شده)
 که روزی نخوردند پیلان به زور (گوشه‌ای)
 چه باشی چو روبه به وامانده سیر (درمانده)
 نه خود را بیفکن که دستم بگیر (گدا)
- به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست
 که نی یک موی باشد بیش و نی کم
 نه از تدبیر کار آید نه از رای
 که گوید نیستم از هیچ آگاه
- همه ادبارها اقبال گردد
 نه از تدبیر کار آید نه از رای
 بماند تا ابد در تیره‌رایی
 که گوید نیستم از هیچ آگاه

۲۰- در کدام گزینه واژه مشخص شده نقش متفاوتی دارد؟

- ۱) اگر لطفش قرین حال گردد
- ۲) وگر توفیق او یکسو نهد پای
- ۳) خرد را گر نخشد روشنایی
- ۴) کمال عقل آن باشد در این راه

۲۱- در کدام گزینه فعل و نهاد به «قرینه لفظی» حذف شده است؟

- ۱) یکی روبه‌ی دید بی‌دست‌وپای
- ۲) وگر توفیق او یکسو نهد پای
- ۳) خرد را گر نخشد روشنایی
- ۴) کمال عقل آن باشد در این راه

۲۲- در کدام گزینه «شیوه بلاغی» وجود ندارد؟

- ۱) کمال عقل آن باشد در این راه
- ۲) شغال نگون‌بخت را شیر خورد
- ۳) یکی روبه‌ی دید بی‌دست‌وپای
- ۴) که چون زندگانی به سر می‌برد

۲۳- در کدام گزینه یکی از واژه‌های مشخص شده، هسته گروه اسمی نیست؟

- ۱) یکی روبه‌ی دید بی‌دست‌وپای
- ۲) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
- ۳) کمال عقل آن باشد در این راه
- ۴) شغال نگون‌بخت را شیر خورد

۲۴- در کدام گزینه واژه «وندی - مرکب» وجود دارد؟

- ۱) یکی روبه‌ی دید بی‌دست‌وپای
- ۲) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
- ۳) کمال عقل آن باشد در این راه
- ۴) شغال نگون‌بخت را شیر خورد

۲۵- با توجه به بیت «در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد، شغالی به چنگ» کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) «شغالی به چنگ» نقش قیدی دارد.
- ۲) در بیت یک واژه وندی - مرکب وجود دارد.
- ۳) بیت به شیوه بلاغی سروده نشده است.
- ۴) جمله دوم دوجزئی است.

۲۶- در کدام بیت «نهاد» درست مشخص شده است؟

- ۱) شغال نگون‌بخت را شیر خورد
- ۲) دگر روز باز اتفاق افتاد
- ۳) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- ۴) در این بود درویش شوریده‌رنگ

۲۷- تعداد واژه‌های «وندی» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- ۲) کزین پس به گنجی نشینم چو مور
- ۳) زرخدان فرو برد چندی به جیب
- ۴) کسی نیک بیند به هر دو سرای

همه ادب‌ها اقبال گردد
نه از تدبیر کار آید نه از رای
بماند تا ابد در تیره‌رایی
که گوید نیستم از هیچ آگاه

فرماند در لطف و صنع خدای
نه از تدبیر کار آید نه از رای
بماند تا ابد در تیره‌رایی
که گوید نیستم از هیچ آگاه

که گوید نیستم از هیچ آگاه
بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد
فرماند در لطف و صنع خدای
بدین دست و پای از کجا می‌خورد

فرماند در لطف و صنع خدای
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست
که گوید نیستم از هیچ آگاه
بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

فرماند در لطف و صنع خدای
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست
که گوید نیستم از هیچ آگاه
بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد
که روزی‌رسان قوت روزش بداد
شد و تکیه بر آفریننده کرد
که شیری برآمد، شغالی به چنگ

شد و تکیه بر آفریننده کرد
که روزی نخوردند پیلان به زور
که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
که نیکی رساند به خلق خدای

۲۸- در کدام گزینه «جهش ضمیر» وجود دارد؟

- ۱) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
- ۲) بخور تا توانی به بازوی خویش
- ۳) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
- ۴) خدا را بر آن بنده بخشایش است

- ز دیوار محرابش آمد به گوش
- که سعیت بود در ترازوی خویش
- که روزی رسان قوت روزش بداد
- که خلق از وجودش در آسایش است

۲۹- در بیت «خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است» چند واژه «وندی» وجود دارد؟

- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۳۰- در کدام گزینه نوع «را» با بقیه متفاوت است؟

- ۱) خدا را بر آن بنده بخشایش است
- ۲) بگیر ای جوان، دست درویش پیر
- ۳) برو شیر دژنده باش ای دغل
- ۴) شغال نگون بخت را شیر خورد

- که خلق از وجودش در آسایش است
- نه خود را بیفکن که دستم بگیر
- مینداز خود را چو روباه شل
- بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

قلمرو ادبی

۳۱- در بیت «به نام چاشنی بخش زبانها / حلاوت سنج معنی در بیانها» کدام آرایه وجود ندارد؟

- ۱) حس آمیزی ۲) تلمیح ۳) استعاره ۴) جناس

۳۲- در بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش» کدام آرایه ها وجود دارد؟

- ۱) مراعات نظیر - تضاد - کنایه - مجاز
 ۲) کنایه - استعاره - ایهام - تلمیح
 ۳) تناسب - تضاد - تشخیص - مجاز
 ۴) ایهام تناسب - تشخیص - حسن تعلیل - مراعات نظیر

۳۳- در کدام گزینه «اضافه استعاری» وجود دارد؟

- ۱) بلند آن سر، که او خواهد بلندش
- ۲) وگر توفیق او یک سو نهد پای
- ۳) در ناپسته احسان گشاده ست
- ۴) به ترتیبی نهاده وضع عالم

- نژند آن دل، که او خواهد نژندش
- نه از تدبیر کار آید نه از رای
- به هر کس آنچه می بایست داده ست
- که نی یک موی باشد بیش و نی کم

۳۴- در کدام گزینه «جناس ناهمسان» وجود ندارد؟

- ۱) وگر توفیق او یک سو نهد پای
- ۲) شغال نگون بخت را شیر خورد
- ۳) یکی رو بهی دید بی دست و پای
- ۴) کزین پس به گنجی نشینم چو مور

- نه از تدبیر کار آید نه از رای
- بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد
- فرماند در لطف و صنع خدای
- که روزی نخوردند پیلان به زور

۳۵- آرایه های بیت «خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره رایی» در کدام گزینه درست نیست؟

- ۱) حس آمیزی - متناقض نما - تشخیص - واج آرایی
 ۲) استعاره - ایهام - کنایه - تضاد
 ۳) تشخیص - پارادوکس - تضاد - واج آرایی
 ۴) حس آمیزی - استعاره - متناقض نما - مجاز

۳۶- در کدام گزینه بیش از یک «کنایه» وجود دارد؟

- ۱) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
- ۲) که چون زندگانی به سر می برد؟
- ۳) در این بود درویش شوریده رنگ
- ۴) برو شیر دژنده باش، ای دغل

- که روزی رسان قوت روزش بداد
- بدین دست و پای از کجا می خورد؟
- که شیری برآمد، شغالی به چنگ
- مینداز خود را چو روباه شل

۳۷- در کدام گزینه «مجاز» وجود ندارد؟

- ۱) که چون زندگانی به سر می‌برد؟
- ۲) کرم ورزد آن سرکه مغزی در اوست
- ۳) بگیرای جوان، دست درویش پیر
- ۴) خدا را بر آن بنده بخشایش است

۳۸- در کدام بیت «مجاز» وجود ندارد؟

- ۱) در این بود درویش شوریده‌رنگ
- ۲) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
- ۳) بخور تا توانی به بازوی خویش
- ۴) شغال نگون‌بخت را شیر خورد

بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟
که دونه‌تاند بی مغز و پوست
نه خود را بیفکن که دستم بگیر
که خلق از وجودش در آسایش است

که شیری برآمد، شغالی به چنگ
ز دیوار محرابش آمد به گوش
که سعیت بود در ترازوی خویش
بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

قلمرو فکری

۳۹- مفهوم بیت «به نام چاشنی بخش زبان‌ها / حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها» با کدام گزینه ارتباط معنایی کمتری دارد؟

- ۱) سخن را از حلاوت کرد چون قند
- ۲) چون زبان داده‌ای بیانم بخش
- ۳) لب‌ت مرجان شیرین است و چون با من سخن گوید
- ۴) آه از حلاوت سخن و خلق بی‌تمیز

سرآغاز سخن را داد پیوند
در بیان سخن زبانم بخش
دهد مرجان شیرینت حلاوت جان شیرین را
آتش به خانه‌ که زند انگبین(عسل) ما

۴۰- مفهوم همه‌ایات با بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش» قرابت دارد به جز:

- ۱) خداوند بالا و پستی تویی
- ۲) گلستان کند آتشی بر خلیل
- ۳) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی
- ۴) غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد؟

ندانم چه‌ای هر چه هستی تویی
گروهی به آتش برد ز آب نیل
همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی
ساقیا باده بده شادی آن کاین غم از اوست

۴۱- مفهوم بیت «در نایبسته احسان گشاده‌ست / به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست» با کدام یک از ابیات تناسب بیشتری دارد؟

- ۱) توحیدگوی او نه بنی‌آدمند و بس
- ۲) از در خوبی و لطف و بنده‌نوازی
- ۳) بحر آفرید و برّ و درختان و آدمی
- ۴) فضل خدای را که تواند شمار کرد؟

هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد
مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا
خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد
یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟

۴۲- کدام گزینه تکرار مفهوم بیت «به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم» است؟

- ۱) ز ترتیب نظام آفرینش چون نه‌ای آگه
- ۲) اگر یک ذره را برگیری از جا
- ۳) چیست حکمت در آفرینش خلق
- ۴) در آفرینش عالم چو حکمت است اظهار

حوادث را ز تأثیر نجوم آسمان بینی
خلل یابد همه عالم سراپا
که از آن قاصر است بینش خلق؟
تو نیز ظاهر می‌کن اگر بیان داری

۴۳- بیت کدام گزینه مفهوم متفاوتی دارد؟

- ۱) اگر لطفش قرین حال گردد
- ۲) لطف الهی بکند کار خویش
- ۳) لطف خدا بیشتر از جرم ماست
- ۴) گر هزاران دام باشد هر قدم

همه ادب‌ها اقبال گردد
مژده رحمت برساند سرش
نکته سربسته چه دانسی؟ خموش!
چون تو با مایی نباشد هیچ غم

- ۴۴- مفهوم بیت «وگر توفیق او یکسو نهد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای» از کدام گزینه برداشت نمی‌شود؟
 (۱) عجز و ناتوانی عقل و تدبیر
 (۲) نبودن توفیق الهی
 (۳) وجود توفیق و حمایت خدا از انسان
 (۴) موفقیت در تدبیر بسته به توفیق خداست
- ۴۵- مفهوم بیت «خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره‌رایی» در بیت کدام گزینه دیده نمی‌شود؟
 (۱) در ره تاریک زلفت عقل را
 (۲) مژه‌کش رشته باریک عقل
 (۳) خرد روشنی‌بخش قلب سیاه
 (۴) روشنی‌گیر از اندیشه او چشم خرد
 (۱) روشنایی یک ذره از روی تو بس
 (۲) روشنی دیده تاریک عقل
 (۳) خرد رهبر خلق بر راه و چاه
 (۴) زانکه اندیشه او چشم خرد را بصر است
- ۴۶- بیت «کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستیم از هیچ آگاه» با کدام گزینه متناسب است؟
 (۱) اسرار ازل را نه تو دانی و نه من
 (۲) دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت
 (۳) اندر دل من هزار خورشید بتافت
 (۴) تا بدان جا رسید دانش من
 (۱) وین حرف معما نه تو خوانی و نه من
 (۲) یک موی ندانست ولی موی شکافت
 (۳) آخر به کمال ذره‌ای راه نیافت
 (۴) که بدانم همی که نادانم
- ۴۷- مفهوم بیت «یکی روپهی دید بی دست‌وپای / فروماند در لطف و صنع خدای» به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟
 (۱) ندانستم که لطف و صنع ایزد
 (۲) لبش به نوش بیاکنده لطف صانع صنع
 (۳) خلعت ذات او ز موزونی
 (۴) خلق روح‌افزای او عنوان لطف خالق است
 (۱) به حسن این‌جا رساند کار رویت
 (۲) رخش به مشک نگاریده صنع داور جود
 (۳) صورت لطف و صنع بی‌چونی
 (۴) فطرت زیبای او عنوان صنع قاهر است
- ۴۸- کدام بیت پاسخ مناسبی برای پرسش درویش در بیت زیر است؟
 «که چون زندگانی به سر می‌برد؟»
 (۱) هر که نان از عمل خویش خورد
 (۲) دستکش کس نی‌ام از بهر گنج
 (۳) بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد
 (۴) بخور تا توانی به بازوی خویش
 (۱) بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟
 (۲) متت حاتم طایی نبرد
 (۳) دست‌کشی (نوعی نان) می‌خورم از دست‌رنج
 (۴) گفت بر هر خون که بنشستم خدا رزاق بود
 (۱) که سعیت بود در ترازوی خویش
- ۴۹- مفهوم بیت «در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد، شغالی به چنگ»، مقابل مفهوم بیت کدام گزینه است؟
 (۱) تهمت‌ن به جنگ فرامرز شیر
 (۲) به تنگ اندرش رفت مانند شیر
 (۳) پلنگی چو چنگش نباشد چو شیر
 (۴) دام صیاد گیر شیر افتاد
 (۱) در آمد چو غزنده شیر دلیر
 (۲) بر آورد شمشیر شیر دلیر
 (۳) چگونه شود شیر نخجیرگیر
 (۴) عوض گرگ شیر گیر افتاد
- ۵۰- مفهوم بیت «شغال نگون بخت را شیر خورد / بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد» در کدام بیت دیده می‌شود؟
 (۱) بسی خوان نعمت برآاستند
 (۲) بود کلید رزق چون حسن خط نگار من
 (۳) بساط عشرت مهمان بیاراست
 (۴) خوانی است زمین پر ز نعمت
 (۱) نهادند و خود پیش برخاستند
 (۲) رزق ز روی او دهد فضل خدای رازقم
 (۳) به چندین ناز و نعمت خوان بیاراست
 (۴) تو خاک مخوانش نیز خوان، خوان
- ۵۱- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟
 (۱) دگر روز باز اتفاق افتاد
 (۲) همه خلق رزق از تو جویند مانا
 (۳) یک روز بُد به رزقِ مَقْدَر امید خلق
 (۴) ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم
 (۱) که روزی‌رسان قوت روزش بداد
 (۲) که در رزق مردم ز یزدان ضمانی (ضامن)
 (۳) امروز رزق بی‌هنران نامقدر است
 (۴) با پادشه بگوی که روزی مقدر است

۵۲- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- ۲) کزین پس به گنجی نشینم چو مور
- ۳) زنخدان فرو برد چندی به جیب
- ۴) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

- ۱) شد و تکیه بر آفریننده کرد
- ۲) که روزی نخوردند پیلان به زور
- ۳) که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
- ۴) چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

۵۳- کدام گزینه کامل‌کننده بیت «چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش» نیست؟

- ۱) زنخدان فرو برد چندی به جیب
- ۲) برو شیر دژنده باش، ای دَعَل
- ۳) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
- ۴) بخور تا توانی به بازوی خویش

- ۱) که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
- ۲) مینداز خود را چو روباه شَل
- ۳) چه باشی چو روبه به وامانده سیر
- ۴) که سعیت بود در ترازوی خویش

۵۴- بیت «خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است» با کدام بیت تناسبی ندارد؟

- ۱) سایه خورشیدسواران طلب
- ۲) دردستانی کن و درمان‌دهی
- ۳) کسی نیک بیند به هر دو سرای
- ۴) خداوند بخشنده دستگیر

- ۱) رنج خود و راحت یاران طلب
- ۲) تات رسانند به فرماندهی
- ۳) که نیکی رساند به خلق خدای
- ۴) کریم خطابخش پوزش‌پذیر

۵۵- بیت «گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی مغز و پوست» با کدام بیت به موضوع مشترکی اشاره می‌کند؟

- ۱) خورشید دانش و خرد اوست بی‌زوال
- ۲) هست سرشته دل و جان و تنش
- ۳) ای صاحب کرامت شکرانه سلامت
- ۴) در خانه غم بودن از همت دون باشد

- ۱) دریای بخشش و کرم اوست بی‌کنار
- ۲) از کرم و از خرد و از هنر
- ۳) روزی تفقدی کن درویش بی‌نوا را
- ۴) واندر دل دون همت اسرار تو چون باشد

۵۶- معادل مفهومی واژگان مشخص شده در بیت «گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی مغز و پوست» در کدام گزینه، دقیق، آمده است؟

- ۱) ای ز بخشش بخل را چون کوه کرده مغز خشک
- ۲) تعالی‌الله ز بخشش دست و از دانش روان داری
- ۳) چه بحر و چه کان چون تو در بخشش آبی
- ۴) آن که چون پسته دیدمش همه مغز

- ۱) وی ز کوشش خصم را چون ابر کرده دیده تر
- ۲) ز بینش مغز داری و بزرگی استخوان داری
- ۳) تهی کیسه سازد ز مغز استخوان را
- ۴) پوست بر پوست بود همچو پیاز

۵۷- بیت «کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای» با کدام بیت مطابقت مفهومی کاملی دارد؟

- ۱) طمع ز فیض کرامت مبر که خلق کریم
- ۲) گر می‌فروش حاجت رندان روا کند
- ۳) خدا را بر آن بنده بخشایش است
- ۴) توانگرا چو دل و دست کامرانت هست

- ۱) گنه ببخشد و بر عاشقان ببخشد
- ۲) ایزدگنه ببخشد و دفع بلا کند
- ۳) که خلق از وجودش در آسایش است
- ۴) بخور، ببخش که دنیا و آخرت بردی

۵۸- تصویر به کار رفته در بیت «گریه شام و سحر سُکر که ضایع نگشت / قطره باران ما گوهر یکدانه شد» در بیت کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

- ۱) دست تو ابری است پر باران و طبع ما صدف
- ۲) قطره باران شود لؤلؤ و هم لؤلؤ ز شرم
- ۳) در صدف بسیار بارد قطره باران همی
- ۴) همی تا خلق نشناسد شمار قطره باران

- ۱) تو صدف پر در، همی از قطره باران کنی
- ۲) گر به دندانش نمایی قطره باران شود
- ۳) لیکن از صد قطره یک قطره همی گوهر شود
- ۴) فزون از قطره باران به گنج اندر گهر داری

۵۹- کدام گزینه پیام متفاوتی دارد؟

- ۱) منزل حافظ، کنون بارگه پادشاست
- ۲) آمد آورد پیش خیر فراز
- ۳) دلبر برفت و دلشدگان را خیر نکرد
- ۴) در راه خدا بسی دویدیم

۶۰- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) ای نصیحت‌گو دمی چنگ از گریبانم بدار
- ۲) با زمانی دیگر انداز، ای که پند می‌دهی
- ۳) اگر فقیه نصیحت کند که عشق مباح
- ۴) حال چوگان چون نمی‌دانی که چیست

۶۱- مفهوم چند بیت با عبارت مقابل آن تناسب ندارد؟

- الف) رزق هرچند بی‌گمان برسد
 - ب) گرچه کس بی‌اجل نخواهد مُرد
 - ج) سحر دیدم درخت ارغوانی
 - د) به گوش ارغوان آهسته گفتم
 - هـ) هرکه نان از عمل خویش خورد
 - و) بخور تا توانی به بازوی خویش
- ۱) دو ۲) سه

۶۲- مفهوم عبارت «موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته، به تعجب گفتند: این مور را ببینید که بار به این گرانی

چون می‌کشد؟» به کدام بیت نزدیک است؟

- ۱) مور ضعیف بار گران چون کشد به جهد
- ۲) ز پای مور تا بال مگس صد بار سنجیدم
- ۳) من تن به خاک می‌کشم و بار می‌برم
- ۴) اگر به دیده موری فروم صد بار

۶۳- عبارت «مور چون این بشنید، بخندید و گفت: مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.» با کدام بیت قرابت معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) همت طلب از باطن پیران سحرخیز
- ۲) بر سر تربت ما چون گذری همت خواه
- ۳) از آستین همت گردون‌نورد خویش
- ۴) همت بلند دار که مردان روزگار

۶۴- سراینده هر یک از ابیات زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- الف) معیار دوستان دغل روز حاجت است
 - ب) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب
 - ج) فخری که از وسیت دون‌همتتی رسد
 - د) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت
- ۱) مولوی، صائب، اوحدی، حافظ
۲) مولوی، صائب، اوحدی، حافظ
۳) صائب، مولوی، حافظ، اوحدی

دل بر دلداری رفت، جان بر جانانه شد
گفت گوهر به گوهر آمد باز
یاد حریف شهر و رفیق سفر نکرد
تا باز به حضرتش رسیدیم

کاین زمانم دامن خاطر به چنگ دیگری است
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
پیاله‌ای بده‌اش، گو: دماغ را ترک
ای نصیحت‌گو، به ترک گوی، گوی

- شرط عقل است جستن از درها (توکل و ترک تلاش)
تو مرو در دهان اژدرها (احتیاط شرط عقل است)
کشیده سر به بام خسته‌جانی (خبرچینی)
بهارت خوش که فکر دیگرانی (خدمت به خلق)
منت حاتم طایی نبرد (بلندی همت)
که سعیت بود در ترازوی خویش (امانت‌داری در وزن کردن)
- ۳) چهار ۴) یک

من بار عشق دوست به دل همچنان کشم
نشد بی‌اعتباری‌های من سنگ ترازویی
از مور بیش از این چه توان داشت انتظار
معین است که آن مور را خبر نشود

زیرا که یکی را ز دو عالم طلبیدند
که زیارت‌گه زندان جهان خواهد شد
دستی برون کنیم و بجویم مرد خویش
از همت بلند به جایی رسیده‌اند

- قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار
قطره باران ما گوهر یکدانه شد
- ۲) صائب، مولوی، اوحدی، حافظ
۴) حافظ، صائب، اوحدی، مولوی

۶۵- نویسنده آثار «بهارستان، بوستان، فرهاد و شیرین» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) سعدی، جامی، وحشی بافقی
- ۲) جامی، وحشی بافقی، سعدی
- ۳) جامی، سعدی، وحشی بافقی
- ۴) سعدی، وحشی بافقی، جامی

پاسخ پرسش‌های چهار گزینه‌ای

۲۴. «بی‌دست‌وپای» واژهٔ وندی - مرکب است. **۱ ۲ ۳ ۴**
۲۵. بیت به شیوهٔ بلاغی (تقدّم فعل بر نهاد و قید) سروده شده است. **۱ ۲ ۳ ۴**
۲۶. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) شغال: مفعول (۲) قوت: مفعول (۴) شغالی به چنگ: قید **۱ ۲ ۳ ۴**
۲۷. واژگان وندی به ترتیب در گزینه‌ها: (۱) دیده، بیننده، آفریننده (۲) کنجی، روزی، پیلان (۳) چندی، بخشنده، روزی (۴) کسی، نیکی **۱ ۲ ۳ ۴**
۲۸. جهش ضمیر «ش»: ز دیوار محرابش آمد به گوش: ز دیوار محراب آمد به گوشش **۱ ۲ ۳ ۴**
۲۹. بنده، بخشایش، آسایش: واژگان وندی **۱ ۲ ۳ ۴**
۳۰. خدا را بخشایش (بخشایش خدا) ← هسته: بخشایش؛ نوع «را»: فک اضافه / در سایر گزینه‌ها «را» مفعولی است. **۱ ۲ ۳ ۴**
۳۱. در بیت جناس وجود ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) نسبت دادن «سنجیدن» به «حلاوت» و نسبت دادن «حلاوت» به «معنی»: حس آمیزی (۲) اشاره به مفهوم «علمهٔ البیان»، (سورهٔ الرحمان / آیهٔ ۴): تلمیح (۳) چاشنی «استعاره از» سخن زیبا / حلاوت سنج معنی؛ نسبت دادن «حلاوت سنجی» به «معنی». «حلاوت» غیرمستقیم، به «معنی» نسبت داده شده است. **۱ ۲ ۳ ۴**
۳۲. در بیت استعاره، ایهام، ایهام تناسب، تشخیص وجود ندارد. بررسی سایر آرایه‌ها: سر، دل: مراعات نظیر/ تقابل مفهوم دو مصراع آرایهٔ تضاد دارد. / بلند بودن سر «کنایه از» افتخار / دل «مجاز از» وجود انسان **۱ ۲ ۳ ۴**
۳۳. اضافهٔ استعاری (در احسان) ← احسان مانند خانه‌ای دارای در است. **۱ ۲ ۳ ۴**
۳۴. جناس‌ها عبارت‌اند از: (۱) پای، رای (۲) شیر، سیر (۴) مور، زور **۱ ۲ ۳ ۴**
۳۵. در بیت ایهام وجود ندارد. / روشنایی، تیره‌رایی: تضاد / نسبت دادن «تیرگی» به «رای»: حس آمیزی / در تیره‌رایی ماندن «کنایه از» گمراهی / نسبت دادن «در تیره‌رایی ماندن» به «خرد»: استعاره (تشخیص) / در تیره‌رایی ماندن خرد: متناقض نما / خرد «مجاز از» انسان **۱ ۲ ۳ ۴**
۳۶. بررسی گزینه‌ها: (۱) روزی‌رسان «کنایه از» خداوند (۲) به سربردن «کنایه از» گذراندن (۳) شوریدگی رنگ «کنایه از» آشفتگی (۴) شیردرنده بودن «کنایه از» قدرتمندی / چو روباه شل بودن «کنایه از» ضعف **۱ ۲ ۳ ۴**
۳۷. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) دست و پای «مجاز از» توان و امکان (۲) سر «مجاز از» انسان (۴) وجود «مجاز از» اعمال و رفتار رنگ «مجاز از» حال / هوش «مجاز از» هوشیاری / بازو «مجاز از» کار و تلاش / سعی «مجاز از» نتیجهٔ کار و تلاش **۱ ۲ ۳ ۴**

۱. نژند: اندوهگین / رای: دیدن با عقل **۱ ۲ ۳ ۴**
۲. صنع: کار / قوت: رزق روزانه / یقین: بدون شک / زرخدان: چانه **۱ ۲ ۳ ۴**
۳. چاشنی: طعم و مزه / وامانده: باقی‌ماندهٔ غذا / خلق: مردم **۱ ۲ ۳ ۴**
۴. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) سرای: خانه و منزل (۳) چنگ: دست و پنجه (۴) یقین: اطمینان **۱ ۲ ۳ ۴**
۵. **۱ ۲ ۳ ۴**
۶. قرین ← قرین **۱ ۲ ۳ ۴**
۷. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) صنع ← صنع (۲) می‌خُرد ← می‌خورد (۳) شغالی ← شغالی **۱ ۲ ۳ ۴**
۸. «بصیر» با دیگر کلمات هم‌خانواده نیست. **۱ ۲ ۳ ۴**
۹. جیب و گریبان ← مترادف **۱ ۲ ۳ ۴**
۱۰. نگون‌بخت و اقبال ← نگون‌بخت به معنی یک فرد بدبخت، اما «اقبال» به معنی خوشبختی است که هیچ تضادی ندارند. **۱ ۲ ۳ ۴**
۱۱. بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) مهربان ← محراب (۳) دغل ← دغش **۱ ۲ ۳ ۴**
۱۲. «شد» در بیت‌های «الف» و «ب» به معنای «شد» (فعل اسنادی) به کار رفته است. **۱ ۲ ۳ ۴**
۱۳. وامانده ← باقی‌ماندهٔ غذا **۱ ۲ ۳ ۴**
۱۴. بیت دارای یک جملهٔ یک‌جزئی استثنایی با فعل حذفی «آغاز می‌کنم» است. / چاشنی‌بخش، حلاوت‌سنج: مرکب / زبان‌ها، بیان‌ها: وندی **۱ ۲ ۳ ۴**
۱۵. توجه: «آن» در هر دو مصراع صفت است، نه ضمیر. «او» در هر دو مصراع نهاد و ضمیر «ش» در هر دو مصراع مفعول است. **۱ ۲ ۳ ۴**
۱۶. آن (صفت) سر(نهاد) بلند(مسند) است که او(نهاد) آن(مفعول) را بلند (مسند) خواهد/ آن (صفت) دل(نهاد) نژند(مسند) است که او(نهاد) آن (مفعول) را نژند (مسند) خواهد. **۱ ۲ ۳ ۴**
۱۷. بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) «در» هستهٔ اولین گروه اسمی است. (۳) «نابسته» واژهٔ وندی است. (۴) بیت سه جمله دارد. **۱ ۲ ۳ ۴**
۱۸. «پای نهادن» فعل کنایی و معادل آمدن است و یک جملهٔ دو جزئی محسوب می‌شود. **۱ ۲ ۳ ۴**
۱۹. تیره‌رایی: واژهٔ وندی - مرکب **۱ ۲ ۳ ۴**
۲۰. گزینهٔ (۳) نقش مفعولی و بقیهٔ گزینه‌ها نقش نهادی دارند. **۱ ۲ ۳ ۴**
۲۱. نه از تدبیر کار آید نه از رای [کار آید]. **۱ ۲ ۳ ۴**
۲۲. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) تقدّم فعل بر متمم (۲) تقدّم فعل بر نهاد (۳) تقدّم فعل بر صفت و متمم. **۱ ۲ ۳ ۴**
۲۳. «بی‌دست‌وپای» وابستهٔ پسین (صفت بیانی) است. **۱ ۲ ۳ ۴**

۵۲ مفهوم بیت: بی‌اعتنایی بیگانه و آشنا، ضعف و گرسنگی؛ سایر ابیات به مفهوم «توکل نادرست» اشاره دارند.

۵۳ ابیات گزینه‌های (۲، ۳ و ۴) مکمل بیت صورت سؤال است که از دیوار محراب به گوش درویش آمده است ولی بیت گزینه (۱) توصیف حالت درویش است.

۵۴ مفهوم: بخشندگی، گذشت و یاری‌گر بودن خدا؛ مفهوم مشترک صورت سؤال با سایر ابیات تأکید بر «خدمت به خلق» است. در صورت سؤال بخشایش خدا در گرو خدمت به خلق است.

۵۵ مفهوم مشترک: دعوت به کرم و بخشش (کرم‌روزی)؛ مفهوم گزینه‌های (۱ و ۲) توصیف شخص بخشنده و مفهوم گزینه (۴) نکوهش دون‌همت است که غمگین و بی‌خبر از اسرار حق است.

۵۶ عناصر مفهومی بیت دو واژه «کرم: بخشش» و «مغز: خرد» است. در گزینه (۲) «بخشش» به معنای «کرم» و «مغز» به معنای «خرد» به کار رفته است. در گزینه‌های (۱ و ۳) «مغز» به معنای «درون چیزی» به کار رفته است و در گزینه (۴) مفهومی از «کرم: بخشش» نیامده است.

۵۷ مفهوم مشترک: سعادت دنیا و آخرت (هر دو سرای) برای بخشنده است. مفهوم گزینه‌های (۱ و ۲) «امید به بخشش» و مفهوم گزینه (۳) «آمرزش خدا بر بخشنده» است.

۵۸ مفهوم بیت «اغراق در فرونی گنج و گوهر» است که به باران تشبیه شده است ولی صورت سؤال و سایر گزینه‌ها به «تبدیل قطره باران به گوهر» که یک اعتقاد قدیمی است، اشاره دارند.

۵۹ مفهوم بیت: بی‌وفایی معشوق؛ ابیات دیگر به «بارگشت هر چیز به اصل خود» اشاره دارند.

۶۰ مفهوم بیت: دعوت فقیه به عشق و مستی؛ سایر گزینه‌ها به «ترک نصیحت و پندناپذیری عاشق» اشاره دارند.

۶۱ بررسی مفاهیم نادرست: الف) تلاش با وجود توکل (ج) حمایت از ضعیفان و) برخورداری از نتیجه تلاش

۶۲ مفهوم بیت «کشیدن بار گران با جهد و کوشش» است. بررسی سایر ابیات (۲) بی‌ارزش بودن (۳) ضعف و ناتوانی

۶۳ مفهوم بیت «انجام کارها با بلندی همت و مردانگی» است که در صورت سؤال آمده است. بررسی سایر ابیات: ۱ و ۲) همت خواستن از بزرگان (۳) یافتن مردان بزرگ به نیروی همت

۶۴

۶۵

۳۹ مفهوم بیت گزینه (۳) «توصیف شیرینی لب معشوق و تأثیر آن بر روح عاشق» است. مفهوم مشترک سایر ابیات و صورت سؤال «برخورداری از زبان و بیان» است.

۴۰ مفهوم بیت: برابری غم و شادی برای عارف و شادمانی عارف بر غم عشق

۴۱ مفهوم مشترک «فراگیر بودن احسان بی‌حد و اندازه خدا و ویژه بودن آن برای هر موجودی» است.

مفهوم سایر ابیات: ۱) تسبیح همه موجودات بر خداوند (۳) آفرینش عالم هستی با قدرت خداوند (۴) بی‌شمار بودن لطف خدا و عجز انسان از شکرگزاری در این بیت به مفهوم «ویژه بودن نعمت برای هر موجودی» اشاره نشده است.

۴۲ مفهوم مشترک، «وجود حکمت الهی و دقت و حسابگری در آفرینش و نظم جهان» است. سایر ابیات با این‌که به حکمت در آفرینش اشاره دارند ولی مطابقت کاملی با صورت سؤال ندارند، چون بیشتر به بی‌خبری انسان از این حکمت، تأکید دارند.

۴۳ مفهوم بیت: لطف خدا در بخشایش گناهان؛ در سایر ابیات به لطف و حمایت خدا به عنوان عامل خوشبختی و رهایی از غم، تأکید شده است.

۴۴ پا یک‌سو نهادن کنایه از ترک کردن چیزی است و مفهوم مصراع اول نبودن توفیق الهی است که موجب عجز و ناتوانی عقل و تدبیر می‌شود که در گزینه‌های (۱ و ۲) آمده است. گزینه (۴) نیز به مفهوم کلی بیت اشاره دارد که وابستگی موفقیت در عقل و تدبیر به توفیق الهی است. پس بیت به «وجود توفیق و حمایت خدا از انسان» اشاره مستقیم ندارد.

۴۵ مفهوم بیت: روشنی‌بخش بودن خرد در راهنمایی انسان؛ مفهوم مشترک سایر ابیات با صورت سؤال: روشنی گرفتن خرد از معشوق یا خدا

۴۶ مفهوم مشترک: کمال عقل، پی‌بردن به نادانی نسبت به حقایق آفرینش؛ مفهوم سایر ابیات: «عجز انسان از درک حقایق آفرینش» است.

۴۷ در همه ابیات به لطف و صنع خدا اشاره شده است ولی «شگفتی از لطف و صنع خدا» در بیت گزینه (۱) دیده می‌شود.

۴۸ صورت سؤال پرسش از منبع روزی و مفهوم بیت رزاق بودن خداست.

۴۹ مفهوم بیت: شکار شدن شیر؛ در صورت سؤال به شکارچی بودن شیر اشاره شده است. سایر ابیات به دلاوری و شجاعت شیر اشاره دارند.

۵۰ مفهوم مشترک: روزی خوردن از طریق واسطه روزی؛ گزینه‌های (۱ و ۳) به مهمان‌نوازی و گزینه (۴) به پرنعمت بودن زمین اشاره دارند.

۵۱ مفهوم بیت: روزی نامقدّر و حرام خوردن بی‌هنران؛ سایر ابیات به مقدر بودن روزی اشاره دارند.

درس

۱

ستایش (لطف خدا)، نیکی، همت



سؤالات امتحانی درس

قلمرو زبانی

معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

- ۱- به نام چاشنی بخشی زبانها
- ۲- حلاوت سنج معنی در بیانها
- ۳- نژند آن دل، که او خواهد نژندش
- ۴- همه ادب‌ها اقبال گردد
- ۵- اگر لطفش قرین حال گردد
- ۶- بماند تا ابد در تیره‌رایی
- ۷- فروماند در لطف و صنع خدای
- ۸- در این بود درویش شوریده‌رنگ
- ۹- شغال نگون بخت را شیر خورد
- ۱۰- که روزی رسان قوت روزش بداد
- ۱۱- یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- ۱۲- که روزی نخوردند پیلان به زور
- ۱۳- زرخدان فرو برد چندی به جیب
- ۱۴- نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
- ۱۵- برو شیر دژنده باش، ای دَغَل
- ۱۶- چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟

با توجه به معانی داده شده، یک واژه مناسب از متن درس بیابید.

- ۱۷- آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد:
- ۱۸- نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد:
- ۱۹- اندیشه کردن در عاقبت کار:
- ۲۰- دست و پای از کار افتاده:

معنی واژگان زیر را بنویسید.

- ۲۱- حمیت:
- ۲۲- دون همت:
- ۲۳- گران:
- ۲۴- فروماندن:

برای هر یک از واژگان زیر یک هم خانواده یا یک هم‌ریشه بنویسید.

- ۲۵- غایب:
- ۲۶- تدبیر:
- ۲۷- روش:
- ۲۸- احزان:

غلط‌های املائی را در بیت‌های زیر مشخص کنید و درست آنها را بنویسید.

- ۲۹- گریه شام و سحر شکر که ضایه نگشت
- ۳۰- دگر روز باز اتفاغ اوفتاد
- ۳۱- به گوش ارقبوان آهسته گفتم
- ۳۲- معیار دوستان دغل روز حاجت است
- ۳۳- فخری که از وسیلت دون همتی رسد
- ۲۹- قطره باران ما گوهر یکدانه شد
- ۳۰- که روزی رسان قوت روزش بداد
- ۳۱- بهارت خوش که فکر دیگرانی
- ۳۲- غرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
- ۳۳- گر نام و ننگ داری، از آن فخر، آر دار

روابط معنایی واژگان زیر را بنویسید.

- ۳۴- بهار و فصل:
- ۳۵- عبادت و بنده:
- ۳۶- اقبال و ادبار:
- ۳۷- نژند و اندوهگین:

۳۸- با واژه «گرفت» در معانی متعدد چهار جمله بسازید.

۳۹- جدول زیر را با استفاده از واژه‌های داده‌شده کامل کنید.

«بی‌دست‌وپا - وامانده - نگون‌بخت - محراب - نابسته - مور - حلاوت‌سنج - تیره‌رایی»

غیرساده			ساده
وندی - مرکب	مرکب	وندی	
.....
.....

♦ در هر یک از بیت‌های زیر هسته گروه‌های اسمی مشخص شده را بنویسید.

- ۴۰- بخور تا توانی به بازوی خویش
 ۴۱- بگیر ای جوان، دست درویش پیر
 ۴۲- چو صیرش نماند از ضعیفی و هوش
 که سعیت بود در ترازوی خویش
 نه خود را بیفکن که دستم بگیر
 ز دیوار محرابش آمد به گوش

♦ در هر یک از بیت‌های زیر نوع وابسته گروه‌های اسمی مشخص شده را بنویسید.

- ۴۳- بلند آن سر، که او خواهد بلندش
 ۴۴- در نابسته احسان گشاده‌ست
 ۴۵- به ترتیبی نهاده وضع عالم
 هر یک از بیت‌های زیر چند جمله دارد؟
 ۴۶- بگیر ای جوان، دست درویش پیر
 ۴۷- بخور تا توانی به بازوی خویش
 ۴۸- یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
 نژند آن دل، که او خواهد نژندش
 به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست
 که نی یک موی باشد بیش و نی کم

قلمرو ادبی

♦ «استعاره» را در بیت‌های زیر مشخص کنید.

- ۴۹- به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
 ۵۰- کسی نیک بیند به هر دو سرای
 حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها
 که نیکی رساند به خلق خدای

♦ در هر یک از بیت‌های زیر کنایه‌ها و مفهوم آنها را بنویسید.

- ۵۱- بگیر ای جوان، دست درویش پیر
 ۵۲- یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
 ۵۳- در این بود درویش شوریده‌رنگ
 که خود را بیفکن که دستم بگیر
 شد و تکیه بر آفریننده کرد
 که شیری برآمد، شغالی به چنگ

♦ «تلمیح» به کار رفته در ابیات زیر را بنویسید.

- ۵۴- بلند آن سر، که او خواهد بلندش
 ۵۵- در نابسته احسان گشاده‌ست
 ۵۶- یکی روبه‌ی دید بی‌دست‌وپای
 ۵۷- بخور تا توانی به بازوی خویش
 ۵۸- به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
 بلند آن سر، که او خواهد نژندش
 به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست
 فروماند در لطف و صنع خدای
 که سعیت بود در ترازوی خویش
 حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها

♦ قالب هر یک از شعرهای زیر را بنویسید.

۵۹- «لطف خدا»:

۶۰- «نیکی»:

◆ قلمرو فکری ◆

◆ معنای بیت‌های زیر را بنویسید.

- ۶۱- در نایسته احسان گشاده‌ست
 ۶۲- به ترتیبی نهاده وضع عالم
 ۶۳- اگر لطفش قرین حال گردد
 ۶۴- وگر توفیق او یک‌سو نهد پای
 ۶۵- زخندان فرو برد چندی به جیب
 ۶۶- چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
 ۶۷- چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر

◆ مفهوم هر یک از موارد زیر را بنویسید.

- ۶۸- برو شیر دزنده باش، ای دَغَل
 ۶۹- بخور تا توانی به بازوی خویش
 ۷۰- کسی نیک بیند به هر دو سرای

۷۱- موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند: «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟»
 مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی همّت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»

◆ تاریخ ادبیات ◆

◆ نویسنده هر یک از آثار زیر را بنویسید.

۷۲- بهارستان:

۷۳- فرهاد و شیرین:

۷۴- بوستان:

◆ سراینده هر یک از بیت‌های زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- ۷۵- فخری که از وسیلت دون همّتی رسد
 ۷۶- صورت بی‌صورت بی حدّ غیب
 ۷۷- معیار دوستان دغل روز حاجت است
 ۷۸- به گوش ارغون آهسته گفتم
- (اوحدی) (صائب تبریزی) (سعدی) (مولوی) (حافظ) (صائب) (رشید یاسمی) (فریدون مشیری)
- گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار
 ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
 قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
 بهارت خوش که فکر دیگرانی

◆ پاسخ سؤالات امتحانی درس ◆

- ۱- چاشنی: مزه، طعم
 ۲- حلاوت: شیرینی
 ۳- نژد: خوار و زبون، اندوهگین
 ۴- ادبار: نگون‌بختی، پشت کردن
 ۵- قرین: همنشین، همراه
 ۶- تیره‌رایی: بداندیشی، ناراستی
 ۷- صنع: آفریدن، آفرینش، کار
 ۸- شوریده‌رنگ: آشفته‌حال
 ۹- نگون‌بخت: بدبخت
 ۱۰- قوت: رزق روزانه، خوراک، غذا
- ۱۱- یقین: بدون شک / دیده: مشاهده‌شده
 ۱۲- پیلان: فیل‌ها
 ۱۳- زخندان: چانه / جیب: گریبان، یقه
 ۱۴- تیمار: غم، تیمار خوردن: غمخواری
 ۱۵- دغل: مکر و ناراستی؛ در اینجا مکار و تنبل
 ۱۶- وامانده: باقی‌مانده، بقیه غذا
 ۱۷- توفیق
 ۱۸- چنگ
 ۱۹- تدبیر
 ۲۰- شَل

- ۵۲- تکیه کردن «کنایه از» توکل / بیننده «کنایه از» آگاه
- ۵۳- شوریده رنگی «کنایه از» آشفتگی
- ۵۴- اشاره به آیه «تَعَزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَدَلُّ مِنْ تَشَاءٍ» (هر که را بخواهد عزت می دهد و هر که را بخواهد خوار می کند): تلمیح
- ۵۵- اشاره به آیه «اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (خدا هر کس را که بخواهد بی حساب روزی می دهد). (آل عمران / ۳۷): تلمیح
- ۵۶- اشاره به آیه «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ» (خداوند نسبت به بندگانش با مهر و لطف رفتار می کند). (شوری / ۱۹): تلمیح
- ۵۷- اشاره به آیه «وَ أُن لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست). (النجم / ۳۹): تلمیح
- ۵۸- اشاره به آیه «عَلَّمَ الْبَيَانَ» (به او (انسان) بیان آموخت). (سوره الزحمن / آیه ۴): تلمیح
- ۵۹- مثنوی
- ۶۰- مثنوی
- ۶۱- در نیکوکاری و احسان راکه هیچگاه بسته نمی شود، باز کرده و به هر کس آنچه لازم بوده، بخشیده است.
- ۶۲- عالم هستی را به گونه ای آفریده است که نه کوچکترین چیزی از آن کم است و نه زیاد.
- ۶۳- اگر لطف و مهربانی خدا همراه حال انسان شود و با انسان همراه باشد، تمامی بدبختی ها به خوشبختی تبدیل می شود.
- ۶۴- اگر توفیق و توجه خدا نباشد (شامل حال کسی نشود)، کاری از دست عقل و تدبیر و اندیشه بر نمی آید.
- ۶۵- مدتی گوشه نشینی کرد، [و کاری انجام نداد] به انتظار اینکه خداوند روزی بخش از عالم غیب به او روزی بدهد.
- ۶۶- وقتی که از ضعف و بی هوشی، صبر و طاقتش تمام شد، ندایی غیبی به گوشش رسید.
- ۶۷- آن چنان تلاش کن که مانند شیر از تو برای دیگران چیزی بماند، نه اینکه مانند روباه با باقی مانده غذای دیگران سیر شوی.
- ۶۸- دعوت به تلاش و قدرتمندی و ترک ضعف و گوشه نشینی
- ۶۹- دعوت به تلاش و خودکفایی
- ۷۰- نتیجه نیکی به خلق، نیکی دیدن در دو جهان است.
- ۷۱- بلندی همت و مردانگی
- ۷۲- جامی
- ۷۳- وحشی بافقی
- ۷۴- سعدی
- ۷۵- اوحدی
- ۷۶- مولوی
- ۷۷- صائب
- ۷۸- فریدون مشیری

- ۲۱- حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی
- ۲۲- دون همت: کوتاه همت، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه
- ۲۳- گران: سنگین
- ۲۴- فروماندن: متحیر شدن
- ۲۵- غیبت
- ۲۶- مدبّر
- ۲۷- رفتار
- ۲۸- محزون
- ۲۹- ضایه «ضایع»
- ۳۰- اتّفاغ «اتّفاق»
- ۳۱- ارقوان «ارغوان»
- ۳۲- غرضی «قرضی»
- ۳۳- آر «عار»
- ۳۴- تضمّن
- ۳۵- تناسب
- ۳۶- تضاد
- ۳۷- ترادف
- ۳۸- (۱) خورشید گرفت. (۲) دلم از رفتار شما گرفت. (۳) عضلات پایم گرفت. (۴) او تمام وسایلیش را گرفت.
- ۳۹-

غیر ساده			ساده
وندى	مرگب	وندى - مرگب	
وامانده	نگون بخت	بی دست و پا	محراب
نابسته	حلاوت سنج	تیره رایی	مور

- ۴۰- بازو، سعی، ترازو
- ۴۱- دست (در هر دو مصراع)
- ۴۲- صبر، دیوار
- ۴۳- «آن» در هر دو مصراع وابسته پیشین (صفت اشاره)
- ۴۴- نابسته: صفت / احسان: مضاف الیه / هر: صفت مبهم
- ۴۵- عالم: مضاف الیه / یک: صفت شمارشی
- ۴۶- چهار جمله: بگير دست درویش پير (۱) / ای جوان (۲) / نه خود را بیفکن (۳) / دستم بگیر (۴)
- ۴۷- سه جمله: بخور (۱) / تا توانی به بازوی خویش (۲) / که سعیت بود در ترازوی خویش (۳)
- ۴۸- چهار جمله: یقین (۱) مرد را دیده، بیننده کرد (۲) / شد (۳) / و تکیه بر آفریننده کرد (۴)
- ۴۹- چاشنی «استعارة از» سخن زیبا
- ۵۰- دو سرای «استعارة از» دنیا و آخرت
- ۵۱- دست گرفتن «کنایه از» یاری کردن